

سُخْنَانِ چَندُ

— بِرَآدِرِ اِيْرَانِي —

بِرَآدِرِ اِيْرَانِي

تاليف

ابو الحسن علي حسني الندوي

رئيس ندوة العلماء لکھنؤ (هند)
رکن رابطة العالم الاسلامی - مکة معظمه

مرکز پمخش :

دار عرفات (للنشر و الترجمة و التوزيع)
دارة الشيخ علم الله الحسني - راسمہ بریلی (الهند)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگرداننده
احسن الظفر ام . اے .

مطبعة ندوة العلماء لکھنؤ (الهند)



پیشگفتار

گفتار مورد نظر مجموعه‌ای از سخنان نیست که نویسنده پس از بازگشت از سفر ایران، که در ماه جمادی الاول سال ۱۳۹۳ هجری قمری - ژوئن ۱۹۷۳ میلادی اتفاق افتاد، در سفر نامه خود «در یاد کابل سے دریای یرموک تک»، خطاب به برادران ایرانی ارائه کرده و هم تحت عنوان «آسمی با ایران» بصورت کتابچه جداگانه‌ای بزبان عربی انتشار یافته، کتابچه مزبور به کسان بانفوذ و قدرت در عالمان و مجتهدان ایرانی تقدیم شد ایشان پاسخهای مشتمل بر تشویق و تشجیع دادند. اراجمله آقای دکتر منوچهر آزمون معاون نخست وزیر آنهنگام و وزیر سازمان اوقاف در نامه مورخ ۱۳ / ۷ / ۵۲ طی اظهار خوشوقتی نوشتند:

« کتابچه » اسمی یا ایران ، اثر آنجناب دریافت گردید
باکمال دقت و عشق و علاقه آنرا خواندم . باید صمیمانه اعتراف کنم
که نظرات و دیدگاه‌های ارزنده و ذقیمت و درست سرکار را
مورد استفاده قرار داده‌ام .

و در پایان می نویسد :

« من باکمال خوشوقتی دیدگاه‌های دینی و افکار و اندیشه‌های
را که سرکار درین کتابچه گرد آوری کرده‌اند ، به پیشگاه عالمان
و روحانیون ارائه خواهم کرد (۱) . »

مجتهد معروف آیه الله العظمی حاج آقای میرزا محمد خلیل کره‌ای
تهرانی (۲) نیز آنرا مورد استقبال گرمی قرار داده در پانزدهم مورخ
۲۱ شعبان ۱۳۹۳ هجری قمری نوشتند :

« امروز بفضل ایزد متعال کتابچه ذقیمت آنجناب تحت
عنوان « اسمی یا ایران » در یافت گردید و موجب تمجید
یادهای سرکار شد . بنده آنرا باکمال عشق و علاقه مورد مطالعه

۱ - این نامه در مرقع نویسنده نگهداری شده است .

۲ - متأسفانه سال پار جهان را بلرود گفتند .

قراردادم حتی در يك نشست آنرا پایان رسانیدم و آنقدر خوشحال شدم که نمی توان آنرا پرشته تحریر در آورد . پیشنهادهای صحیحانه ای که آنجناب بایرانان کرده اند خیلی درست و ذقیقت هستند ، واقعا برای هر یکی از مسلمانان لازم است تا با همکیش خود رفتارهای خیر خواهانه بمعرض نمایش گذارد و پیشنهادهای درست بدهد . سرکار آن پیشنهادها را بشیوه زیبا و جالب و استوار طوری کرده اند که نمی توان بدیل آن بسهولت پیدا کرد زیرا نصیحت همواره تلخ تلقی می شود (۱) .

باید اینجا متذکر شوم که این سفر بعنوان رئیس هیئت رابطه العالم الاسلامی مکه معظمه، به برخی از کشورهای اسلامی کرده شد . هیئت مزبورده روزی در ایران گذرانید (از یازدهم ماه ژوئن ۱۹۷۳ میلادی تا بیستم ماه مزبور) خلال این دیدار ده روزه ای ، وی از تهران ، قم ، مشهد ، اصفهان و شیراز دیدن کرد و فاضلان و استادان بارز و عالمان و مجتهدان و وزیران و مقامات عالی مرتبه و هر یکی از طبقه های جامعه ایرانی را مورد (۱) این نامه نیز در مرقع نویسنده نگهداری شده است .

پاؤ دید قرار داد و ہرجا با پذیرائی گرم و پرشوری مواجه شد ،
 خوادان ایرانی بہر مناسبت ، بستگی خود بکیش اسلام و علاقندی
 خود بمسائل جہان اسلامی بمعرض نمایش گذاشتند ، و می توان
 آہنا را در سفرنامہ بندہ کہ تحت عنوان « من نھر کابل اِلٰی نھر
 یرموک » (۱) بزبان عربی و تحت عنوان « دریای کابل سے
 دریای یرموک تک » بزبان اردو انتشار یافتہ ، بطور مشروح
 مورد مطالعہ قرار داد .

موجب سعادت و خوشوقتی بندہ است کہ این ہمہ خاطرات را

(۱) چاپ اول این کتاب از جانب « دار الهلال » انقرہ
 در بیروت در سال ۱۹۷۴ میلادی انتشار یافت ، و چاپ
 دوم آن از جانب « دار الایمان » در بیروت در سال ۳۹۶ هـ
 ۱۹۷۶ میلادی انتشار یافت . چاپ اردوی آن توسط
 مجلس تحقیقات و نشریات اسلام لکنؤ در ہند و توسط
 مجلس نشریات اسلام ناظم آباد ۱ کراچی ۱۸ در
 پاکستان انتشار یافت .

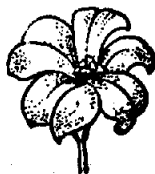
بار اول توسط دانشجوی عزیز احسن الظفر بزبان فارسی برگردانده
به برادران ایرانی تقدیم می‌کنیم .

امید وارم این کتابچه با همان صمیمیت و علاقه‌مندی و نیک
اندیشی و دلاگری که هنگام نوشتن آن در نظر داشته‌ام ، مورد
توجه و استقبال خوانندگان عزیز قرار خواهد گرفت و ارزشهای
شایانی بآن داده خواهد شد .

ابو الحسن علی ندوی

۲۷ رمضان المبارک ۱۳۹۷ هجری قمری

۱۲ سپتامبر ۱۹۷۷ میلادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غریب شهر سخنه‌ای گفتنی دارد

در پایان مسافرت یمورد نباشد اگر برخی از خاطرات را اینجا ذکر کنیم، زیرا ارزش و اهمیت این مسافرت تنها بدینجهت نیست که این بازدید از يك کشور اسلامی خاوری مبتنی بر عاطفه خیر خواهی بود بلکه هم از حیث نتایج و عواقب، نسبت به همه سفر نامه‌های تاریخی و باز دیده‌ها از آثار باستانی و احساسات خیر خواهانه، بارزترین مسافرت بود. بدین مناسبت می‌خواهیم جنبه‌های مطبوع و درخشنده این مسافرت را خاطر نشان کنیم جنبه‌هاییکه زمینه‌های نوینی برای فعالیت‌های ما تهیه می‌کنند و شعای تازه‌ای از امید از آنها می‌دمد وی توان برای آینده فال خوبی ثابت شوند. ما اینجا بجنبه‌های

نیز اشاره خواهیم کرد ، و لو در حد خود شگفت آور باشند
 باز هم نیاز به وسعت دید و فراخی دل دارند و در عین
 حال احتیاج به تکیه کردن بر منویات نیک گوینده دارند .
 برادران ایرانی ما دارای ظرف بلند و نفس پاک هستند لذا
 انتظار می رود آنچه طی اقامت در ایران بمشاهده ام
 رسید و آنچه از اندیشه ها روی مغزم سرزد در اظهار آنها
 ایشان از جرأت و صافگویی بنده پذیرائی گرم بعمل خواننده آورد .
 ۱ - چیزی که طی مسافرتم بایران بمشاهده ام رسید و موجب
 افزایش خوشحالی بنده شد عبارتست از عاطفه همکاری و یکپارچگی
 اسلامی و جهانی و برادرانه که ایشان می خواهند بر مبنای موافقت
 بر دستورهای اساسی اسلامی اظهار دهند . ما با کمال همیمیت
 اعتراف می کنیم که آنچه از احساسات و هیجانات برای همکاری
 و یکپارچگی و دوستی با مسلمانان همه کشورهای جهان اینجا
 چشم بر خورده کردیم تصور آن پیش از رسیدن باینجا در مغز ما
 قبلاً در حدیثین انتظار نبودیم که برادران ایرانی ما می خواهند علیه
 الحاد جهانی که برای همه آئین و کیشها و ارزشهای اخلاقی

در اندیشه و احساسات خود

بمنزله مبارزه است و میان گروه های شیعه و سنی و حنفی و شافعی و مقلد و مجتهد هیچگونه تفاوتی قابل نیست ، یکدل و یکجان شده قیام کنند . جلسات مذهبی در ایران از همین موضوع آغاز می شوند و بهمان پایان می رسند . عموم موضوعات مجلسها همین بچشم رسید . بدون تردید می توان گفت این یکی از عواطف با اهمیت و باارزش است و علاقمندان برادرانه اسلامی جهانی را باید این احساس برادران ایرانی مارا مورد استفاده قرار دهند و آنها را برای خدمات اسلامی بکار برند و سعی کنند تا کارش بالا گیرد زیرا این پراگندگی و اغراق و غلودر امور بود که گهگاه موجب زبانه های شدیدی برای مسلمانان شده . شدت همینگونه اختلاف در قرن هفتم هجری قمری باعث زوال و سقوط بغداد شد که یکی از دردناک ترین پیشامدهای تاریخ بشمار می رود (۴)

(۱) مرثیه دردناک یک شیخ اسمعیلی شیرازی بختناخت این حادثه

بزرگ تاریخ بظلم آورده . مطالعت این قصه بسیار - ۲ -

عذریه تنه آسمان را حق بود که خون بنیاد بر زمین سبزه را
 بر زوال ملک مستعصم امیر المؤمنین

همین اختلاف و غلو در امور دینی برای مسلمانان سد بزرگی در دست یافتن شان بر اروپا و پیشرفت با آخرین مرزهای آن شد و بهمین علت در هند دولت مغول اول ناتوان شد و بالاخره برای همیشه ازین رفت .

۲ - طی مسافرت ایران چیز دیگری که موجب خوشوقتی نویسنده شد علاقمندی ایرانی با آثار اسلامی و زبان عربی و انتشار و چاپ کردن اثرهای اسلامی و زنده کردن کارنامه‌های عالمان و کتبات زیبای قرآن مجید است . از آنچه که سعی و تلاشهای شان برای نگهداری نسخه‌های خطی و کیاب قرآن و چاپ زیبا و مرصع آن بمشاهده ام رسید ، می توان حدس زد که ایرانیان نسبت به قرآن چقدر به احترام و تعظیم قائل هستند . در کنفرانسها قرآن مجید تلاوت کرده می شود ، بخصوص آنچه از رکوردهای تلاوت مقریان مصری دارند توسط ضبط صوت آنرا برای مردم می خوانند .

۳ - حمایت و تعصب دینی برادران ایرانی نیز موجب شادمانی باشد ، آنان نسبت به جنبش‌ها و نهضت‌هایی که علیه دین اسلام فعالیت میکنند تا اندازه‌ای زیادی حساس واقع شده اند . مذهب بهائی که در

ایران بوجود آمد و رسماً ممنوع قرار داده شده. (۱) و کسانی که پیروان آئین و کیش بهائی هستند خارج از اسلام دانسته شوند و همیطور آئین قادیانی را خارج از دین و مذهب اسلام تصور می کنند و در حوزه های دینی نسبت بآنها اظهار تنفر و بیزاری می کنند. همچنان در مورد عداوت و مخالفت شان نسبت بالحاد و کمیونسم و حیت و غیرت شان برای کشورهای اسلامی بخصوص پاکستان که مناسباتش بآن بسیار حسنه است ، هم سزاوار رشك و هم در خور تقلید و پیروی است .

۴ - خلق خوش و زیبان شیرین و مهمان نوازی و تواضع و مدارات ایرانیها اوصافی هستند که يك جهانگرد هنگام گردش در ایران بآنها مواجهه می شود و حس می کند که در میان برادران و دوستان خود بلکه در کشور خودش است . هر شهریکه عازم

(۱) خلال مسافرت بایران بااطلاع بنده رسید که متاسفانه نفوز و قدرت بهائیان در ایران روز افزون رو بافزایش است . ایشان برخی از سمتهای کلیدی بعده دارند نیز گفته می شود بعضی از شخصیتهای سیاسی مهمی ارتباط به مذهب بهائی دارند .

آن شدیم مامورین دولت و شخصیت‌های بانفوذ شهر را در انتظار خود ما یافتیم . هنگامیکه سوار تا کسی شده براه قم افتادیم و لو که درنگی زیادی در رسیدن بمنزل روی داد ، مامورین دولت و علماء و شخصیت‌های بانفوذ و برجسته را بهر دو سوی خیابان در حال انتظار در عین حرارت آفتاب یافتیم . طی مسافرت کوتاه بارها این گونه منظرها بچشم رسید .

در پایان می خواهیم توجه برادران ایرانی و رهبران دینی و عالمان مذهبی را بنکات زیر جلب کنیم .

۱ - هدف اساسی از آفرینش انسان و کائنات، و بعثت پیامبران و نزول صحائف سماوی همین بود که درینجهان باید تنها ایزد متعال را عبادت کرد و تنها اوراد خور پرستش دانست . فرمانبرداری و وفاداری و خشوع و خضوع و احساس عجز و در ماندگی و غلامی و بندگی اینها خصائصی هستند که بر اثر یکتا دانستن ایزد متعال در بندگانش بوجود می آیند . منظور از بعثت انبیاء نیز همین بود که پلئد خلق را با خلق آفرین هم قلبا و هم جسما پیوست کرد و باتنی و جلالت متوجه باو کرد و سرشان باستانه اش بنخم در آورد .

مقصد اصلی زندگی پیامبران همین بود ، همین آرزو و آرمانهای شان و همین منتهای خوشبختی و سعادت شان بود و همین امر موجب آرامش جان و کشادگی و انبساط قلب شان بود . ایشان برای این منظور بدنیا نیامده بودند که میان خالق و مخلوق سدی ثابت شوند یا مردم را با قیله مخصوص مربوط کنند یا فرما روائی خانواده‌ای مخصوصی را تشکیل دهند و یا برای همیشه آن را يك نژاد مخصوص اختصاص دهند .

تقدس خون و خویشاوندیها و افتخارات ملی و نژادی و تاسیس مسند رهبری برای اخلاف خود و بنیانگذاری دولتهای بزرگ برای شان و پایه گذاری مسند دائمی سیادت که در اخلاف شان از نسلی به نسلی دیگری انتقال یابد و نگهداری سودها و منافع مالی شان برای صدها قرن و کوشش برای اینکه مردم همواره آنها را شخصیتهای فوق البشر تصور کنند و افتخارات اسبق شان را مورد ستایش و تمجید قرار دهند ، اینهمه خصائص بنیا نگذاران دولت ورهبران با عزم و حوصله و خواهان سودهای مادی بوده اند که امثال اینگونه ماجراها اغلب در تاریخ دولتها و دودمان شاهی قدیم

یافته می شوند. پیامبران ازینگونه امور دور و شخصیتها یشان ازینوع لوثها پاک بوده اند. ایزد متعال بعثت و دعوت انبیا و این اختصاص آنها را بشیوه بسیار دلآویز و پراز تاثیر بیان کرده است :

« ما کان لبشر أن یتیه الله الکتاب
 و الحکم و النبوة ثم یقول للناس
 کونوا عباداً لی من دون الله
 ولکن کونوا ربانین بما کنتم تعلمون
 الکتاب و بما کنتم تدرسون
 و لا یأمرکم أن تتخذوا الملائکة
 و النیین أرباباً یا أمرکم بالكفر بعد
 إذ أنتم مسلمون »
 (آل عمران ۷۹-۸۰)

برای هیچکدام آزادماها که ایزد متعال او را کتاب و نبوت داده باشد روانیست که پس ازان بمردم دستور دهد که ایزد متعال را یکطرف گذاشته بتدگان من شوید و بجایش دستور او این طور باشد که همانطوریکه شما کتاب او را می خوانید

و دیگران را پیاموزید طلق آن « ربانی » بمعنی کاملاً پیرو او امر ایزد متعال شوید. او شمارا البته دستور نمی دهد که فرشتگان و پیامبران را پرورد گارتان بدانید. آیا ممکن است پس از آنکه شما مسلمان

شده‌اید بشما دستور خواهد داد تا کفر را پیش بگیرید ؟
 این بود که رسول خدا ﷺ در برابر اینچنین امور
 ناشایسته و نابکار در حال آماده باش می زیستند و هیچ‌کس سخنی
 و امری خوششان نیامد که ازان حتی شمه ای از تقدیس
 و تعظیم ایزدی برای ماسوی الله می چکید و یا کسی سعی کند
 تا میان عبد و معبود سدی بشود و عاطفه محقری از تقدیس
 و تعظیم برای ما سوی الله روی قلبش سرزند و لو آن مربوط
 به شخصیتش باشد یا یادگارهای تاریخی یا به عبادتگاه‌ها و یا آرامگاه‌ها
 باشد . در خبر صحیح آمده است که آن حضرت ﷺ فرمودند :
 خدایا ! قبر من را بت مساز که مردم آنرا به پرستند ، کسانی که
 قبور انبیاء را سجده‌گاه خود قرار داده‌اند قهر و غضب ایزد بر آنها
 وارد شده (۱) بعد فرمودند : ایزد متعال یهود و نصاری را از
 رحمت دور دارد که ایشان مقابر پیامبران خود را سجده‌گاه
 ساخته‌اند (۲) .

(۱) موطا .

(۲) متفق علیه .

ایشان هر چه از کارها درین مورد کردند ، آن حضرت
 ﷺ امت خود را توصیه بخود داری از آنها کردند و در خبر
 دیگر فرمودند : لا تجعلوا قبری عیداً (۱) روی مقبره ام جشن
 برپا نکنید و بسیاری ازینگونه خبرها درین زمینه یافته شوند .
 از مطالعه تاریخ و تجربات ملل گذشته روشن می شود که
 هر که از ایشان بر زیارتگاهها و مقبرهها مراسم جشن برگزار
 کردن آغاز نمود ، او سر انجام در قبال حرم مقدس و مساجد
 و اهتمام به نماز باجماعت بی اعتنائی نشان داد و هنگام نزول
 بلاها و آفتها از خمیدن به پیشگاه ایزد متعال و از رجوع
 و انابت باو و احساس بندگی و عبودیت خود را دور داشته
 است (۲) .

هنگام اقامت در ایران نسبت بمساجد ، زیارتگاهها را باندراهی
 زیادی باروتق و معمور از زائرین یافتیم . این امر نشان

(۱) ابوداود رواة خبر اهلیت کرام بوده اند .


(۲) راجع برسول کریم درخبر آمده است که هنگام نزول

بلاها به نمازی پرداخت (ابوداؤد) .

می دهد که مردم باین مقبره‌ها عشق و علاقه فوق العاده‌ای دارند. هنگامیکه یک‌جا نگرند به مقبره سیدنا امام علی رضا وارد می شود، حس می کنند که بجای مقبره در حرم حضور دارد که که پر از حاجیانست و جائیکه آنجا هر چهار طرف صدای گریه و بکا بلند می شود. منظره‌ای از ازدحام مشتمل بر مردان و زنان درین مشهدها بچشم رسید. آنجا آرایش و دکوراسیون فوق العاده و ارمغانهای گرافیمت که از جانب پولداران اهداء می شود و ندور زائرین که مشتمل بر طبقه‌های گوناگون می شوند، باندازه‌ای زیادی بنظر ما رسید. بدشواری می توان حرم مکی و مدنی را ازین مشاهد بازشناخت و میان آنها تفاوتی پیدا کرد. درست همین وضع در قم بر مقبره سیده معصومه بچشم برخورد.

مساجد ایران پر شکوه و مجال هستند، از آنجمله بعضی‌ها از حیث فن معماری بدیلی ندارند و نظیر آنها بدشواری می توان در کشورهای اسلامی دیگر پیدا کرد، اما نسبت بوضع مقابر و زیارتگاه‌ها، وضع شان عبرت انگیزی دارند. آنجانه آنقدر ازدحام مردم بنظر رسید که در مقابر دیده بودم و نه آن جوش

و جنبه و عشق و علاقه بچشم رسید که در مشاهده دیدم .
 ما از مسائل خصوصی عبادات و جمع بین الصلواتین و قیود
 و شرائط سنگین برای امامت در مذهب اثنا عشری بیخبر نیستیم
 و همینطور می دانیم در فقه جعفری بسیاری از تسهیلات تهیه شده است
 که در مذاهب اهل سنت وجود ندارد با این همه حس می کنیم
 که این امر البته بیرون از امکان نبود که مساجد آباد تر و با
 رونق تر ازین مشاهده ، و صداهای تسبیح و تلاوت قرآن از آنجا بیشتر
 بلند می شدند . امید داریم عالمان و دانشمندان ایران و کسانی که
 از حمیت دینی بهره ای دارند (که تعداد آنها بزرگ است) توجه
 خود شان را بدین نکته مهمی معطوف خواهند کرد ، تا جائی که
 خارجیان میان مساجد و مشاهده اینگونه تفاوت فاحشی را
 مشاهده نکنند (۱)

(۱) باید باین واقعیت اعتراف کنیم که مقبره پرستی و مسافرت
 خصوصی برایش از مسافت دور و دراز و برگزاری عرس و اجتماع
 سالیانه و رسوم و سنن مشرکانه میان پیروان مذهب اهل سنت
 در هند و پاکستان نیز بکثرت رواج دارند ولی در عین 

تبیجه اغراق و غلو در عشق و علاقه شان نسبت باهل
بیت اینست که تصویرهای حضرت علی مرتضی کرم الله وجهه و ائمه
اهل بیت اغلب در خانه ها و مساجد بجشم می خورند بلکه تصویر

☀ حال باید باین حقیقت اعتراف کنیم که در هر عصر
عده بزرگی از عالمان حق گو و پرچمداداران راستی از
سلف گرفته تاخلف وجود داشته است که علیه این
تقالید مشرکانه و اختراعات در امور دینی قیام کرده اند
و در صدد ریشه کنی آن بوده اند و درنمورد ناچار
بودند با غضب و تعصب توده مردم مواجه شوند. باوجود
این، سعی کردند تا توده مردم را ازینگونه بیراه رویها
دور دارند و بدون اعتناء به طعن و تشنیع و مخالفت
و عداوت، با کمال رادی و مردانگی آنها را به توحید
خالص دعوت کنند. هیچکدام از کشورهای اسلامی
ازینگونه اصلاح طلبان خالی نبوده است.

آثار مذاهب چهارگانه (حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی)
پر از نکوهش سنن و رسوم مشرکانه و قبر پرستی هستند ❏

رسول خدا ﷺ نیز در بعضی جاها آویخته بنظر ما رسید ، بخصوص در مسجد سپه سالار تهران موجب خیرگی چشم باشد . همین تصویرها هستند که بالاخره منجر به بت پرستی و شرك می شوند. ملل پیشین عکس و پیکره های مردان نیک و روحانیون تراشیده اساس بت پرستی برآن نهادند . از ایزد متعال مسألت داریم که ملت اسلامی را ازین خطر بکنار دارد و از پیروی از تقالید و رسوم مشرکانه او را نگهداری کند . (۱)

❖ راجع بتاریخ اصلاحات و تجدید پیروان مذهب اثناعشری

اطلاعات ما باندازه ای زیادی محدود هستند و ما نمی دانیم

آیا در گروه اهل تشیع این چنین اصلاح طلبان که علیه تقالید

و فعالیت های مشرکانه و قبر پرستی اعلام جهاد کرده اند ،

بوجود آمده اند یا خیر ؟

(۱) روایتی در صحیح بخاری از ام المؤمنین حضرت عائشه

وجود دارد که ام المؤمنین حضرت ام سلمه سخن از

کلیسائی نزد رسول خدا ﷺ راند که هنگام مهاجرت

به کشور حبشه دیده بود . نامبرده تصویرهای ☀

۲- حضرات ائمه اهلیت همواره بعنوان منارهٔ روشنائی در تاریکی و پیشوای مردم بوده‌اند . هیچ کدام از مسلمانان که ایمان درست دارند . درین امر تردیدی ندارد . اما عقیده بنده اینست که بستگی فوق العاده اهل تشیع به اهلیت و عشق و علاقه عاطفی آنها و اغراق متجاوز از سرحد اعتدال در محبت اهلیت سلطه کامل

☀ حضرت عیسی و مریم علیهما السلام را که آنجا وجود

داشتند نیز متذکر شد آن حضرت فرمودند: یکی از جمله

سنن و رسوم شان این بود که اگر کسی از مردان

خدا و بندگان نیک درمی گذشت ، بر او مقبره اش مساجد

بنا می کردند و در آن تصویرهایش می آویختند ،

ایشان در ردیف زشت ترین مخلوقهای خدا بشمار می روند

و از روایتی از سیرت ابن هشام بر می آید که چون

آن حضرت صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه وارد خانه کعبه شدند

و تصویرهای فرشتگان و حضرت ابراهیم بچشمش خوردند

دستور دادند تا آنها را محو کنند . (ابن هشام

ج ۴ ص ۴۱۳) .

روی عقل و احساس و حتی ضمیر پیدا کرده است . خیال نویسنده اینست که این عشق و شیفتگی شان جراحی بآن مودت وارد کرده است که بایستی هر یکی از مسلمانان با ذات محمدی داشته باشد - محبتیکه بنا بر آن اهلیت این قدر آبرومند و محترم نزد ما هستند و آنها سزوار محبت واحترام ما شدند . چنان بنظر می رسد که قسمتی ازین بستگی و ارتباط قلبی که باآذات گرامی اختصاص می داشت وارد این تعلق شده است .

چنانکه در سخنان نعتیه دوره اخیر ایران (که کبیت آن زیاد است) آن جوش و جنبه و روانی طبع و آمد مضامین تازه و نو بچشم نمی خورد که در نظمهای مربوط به مناقب اهلیت و مرثیه و بخصوص بمدح و ستایش سیدنا علی مرتضی و حضرت حسین و بمصائب اهلیت بمعرض نمایش گذاشته شده . می توان این تفاوت بین نعت پیمبر و مدح اهل بیت نزد اهل تشیع هر کجا پیدا کرد . بزبان اردو مرثیه های میرانیس و میردیر را بخوانید ، سپس آنرا با کلام نعتیه شان و گویندگان دیگر که همکیش شان بودند ، مقایسه کنید ، آنگاه میان هر دو نوع کلام همانا

تفاوت آمد و آورد و اصل و فرع بنظر خواهد رسید . کما
یش همین تفاوت در سیرت نبوی و مناقب اهل بیت حس می
شود . همینطور در ایران بمشاهده ام رسید که علاقه ایکه به
مشاهد و مقابر وجود دارد با مساجد نیست و اشتیاقیکه برای
مسافرت به نجف و کربلا و عتبات عالیه بنمایش می گذارند برای
زیارت حریم شریفین بنظر نمی رسد . (۱)

ممکن است این عکس العمل در برادران اثنا عشری ما مبتنی
بر رفتار برخی از علماء اهل سنت و اعتراف کوتاهی و تقصیر
شان در حقوق اهلیت باشد اما این امر تاحدی بیش از بازتابی

(۱) اینک چند سالست که ایشان گرایش خود را به مسافرت

برای حج اظهار داده اند وعده حجاج ایرانیان هر روز

رو بافزایش می رود . دولت ایران و سازمان

اوقاف آنچه از تسهیلات و انتظام برای حجاج از

زائرین خود تهیه کرده اند درخور ستایش و سزاوار

تقلید است .

بنظرمی رسد . بنابر هاله ای از مهر و محبت و عشق و علاقه و تقدیس و تعظیم که پیرامون این مراکز روحانی بوجود آمده و اغراقیکه در مدح و ستایش آنها بکار برده شده است ، بیم آن می رود که مبدا همین امر امامت را رقیب نبوت بسازد و بسیاری از اختصاصات نبوت را برایش اثبات کرده شود . اگر این وضع بوجود می آید رخ زندگی ایرانیان بسوی مرکزی معطوف خواهد شد که دوش بدوش افضل الانبیاء خاتم النبیین صلی الله علیه و آله رشد خواهد کرد .

تأثیر و اثرات این دیدگاه طبعاً در شعر و ادب و نحوه تفکر بچشم می خورند . بنده نمی خواهم ازان سخن مشروح برانم . اما برادران دادگر و انصاف پسند ایرانی اگر توجه خودشان را به طیشهای قلب و ضربان آن معطوف دارند بدین نتیجه خواهند رسید که ولو صد در صد با این امور موافقت نکنند ، بازهم آنها را دعوت دهند تا مجدداً آنرا مورد بررسی قرار دهند . تردیدی نیست که آنمه اهلیت درباره دعوت از دین و آئین و توحید خالص

جان‌نشان واقعی پیمبر عربی ﷺ بودند . ایشان نسبت به هر چیزیکه آفریده را از آفریدگار جدا کند واز و غافل سازد ابراز عداوت کرده اند . و دینیکه رسول خدا ﷺ همراه خود آورده بودند ، ایشان راجع بآن تا اندازه زیادی متعصب و غیور بودند و هیچکس از چیزی خوششان نیامده که موجب سستی و ضعف در ارتباط و پیوند بین خالق و مخلوق باشد و یا مخلوق را به مخلوق به پردازد . همه دعوت و مساعی شان برای این بود که بجای مخلوق با خالق ارتباط برقرار کنند و نسبت بمظاهر دنیا بی اعتنائی نشان دهند و به تبلیغ و توسعه زندگانی پر از زهد و توکل و دانش سودمند به پردازند .

بخاطر اینکه گروه‌های مختلف مسلمانان را بیکدیگر نزدیک کنیم و رخنه ای عمیق و وسیعی که میان گروه‌های اهل تشیع و اهل سنت بوجود آمده است ، پر کنیم ، لازمست که این موج برفی عشق و علاقه را بذات اقدس رسول کریم ﷺ و نبوتش معطوف بگردانیم ، زیرا این ذات آنحضرت است که مرکز توجهات مسلمانان جهانست و از نبوت او سر چشمه می‌گیرند . و این شمع

روشن اوست که سراسر جهان را در آغوش نور خود گرفته است .
این یکی از کارهای بزرگ تجدیدی است که نیاز باصلاح طلبان
دارای عزم بلند و همت عالی و اراده محکم دارد . هر گاه این کار
بأنجام می رسد از جمله کارنامه‌های بی بدیل و انقلاب آفرین در
تاریخ تجدیدی و فکری و اسلامی بشمار خواهد رفت . اتحاد
و یگانگی اسلامی واقعی و طبیعی تنها بر همین اساسهای محکم
و قنانا پذیر می توان مبتنی کرد . در غیر این صورت ، هر چه از
تلاشها و سعیها کرده شود غیر طبیعی خواهد بود .

۳ - اگر برادران اثناعشری ما با همیتمیت دل می خواهند که
گروه‌های مختلف مسلمانان یکدیگر بهم نزدیک بشوند و باصفای
قلب بالاتفاق بدور یک مرکز جمع شوند ، آنها باید راجع
با صحاب رسول و امامات المومنین نحوه فکر خود را عوض دهند ،
زیرا تاوقتی که به شخصیت‌های محترم و محبوب گروه‌ها و افراد را
می توان بدیده احترام نگریست هیچکدام از تلاشها برای
یکپارچگی و یگانگی ملت موفق نخواهد شد . نمی دانیم چرا
دو نفر می توانند برای منظور واحد بجوش و جنبه و همیتمیت

دل و احساس همکاری به پهلوی یکدیگر بهم به نشینند ولی يك
 شخص در باره شخصیت‌های محترم و آیده آل محبوب و مرکز عقیدت
 و ارادت دوست خود کلمه های نابکار و ناشایسته بکار برد
 و آنرا مورد اهن و طعن قرار دهد و افتراء و بهتانهای بی
 سروپا بایشان نسبت بدهد و اینهمه امور را وسیله تقرب
 و نزدیکی ایزد متعال تصور کند؟ هر یکی از ما اینگونه تجربیات
 دارد. چون درباره آموزگاران و شیوخ و نیاکان ما اینوع تجربیات
 را می داریم لذا می توان ازان حدس زد که درباره آن شخصیت‌های
 مقدس و پاک که مورد احترام و تعظیم انسان یش از نیاکان او
 هستند و حاضر است جان خود را بر آنها فدا کند و آنرا
 خادم صادق دین و از جمله فداکاران آنحضرت ﷺ تصور کند
 و می داند که اصحاب کرام در راه ایزد متعال جهاد کرده اند
 و خدمات گر آنها و ذیقیمت در زمینه دعوت دین انجام داده اند
 و آثار فنا ناپذیر از زهد و تقشف و ایثار و فدا کاریها درین
 حیات دنیوی بیادگار گذاشته اند ، چه قدر مضطرب خواهد شد .
 گذشته ازین جنبه عاطفی ، این مسئله دارای ارزش تبلیغی

و علمی نیز هست . مردم همواره درباره قضاوت کردن راستی و صداقت و دعوت و حسن و خوبی دستورهای يك آئین، این نکته را معیار و مقیاس قرار می دهند که آن آئین چه نوعی از الگوهای اخلاقی و عملی را ارائه کرده است . آن دعوت در ادوار مقدماتی چه نوعی از نژادها را تولید کرده است ، و چه جوهرهای خود را در انسان سازی بنمایش گذاشته است . کسیکه مسئول آن دعوت بوده تاچه اندازه در تبلیغ و دعوت و تعلیم و تربیت مردم خود موفقیت بدست آورد . مقیاس پیروزی آموزگاران و اصلاح طلبان و هنرمندان کار شناس همین بوده است .

اگر ایشان در تلاشهای خود شان تا اندازه ای موفقیت بدست آورده اند وعده بزرگی از کسانی پرورده که موجب نمایش کمال هنرمندی شان شده و کوشش های شان بار آور شده ، به مهارت و قدرت و کار شناسی شان بدون تردید می توان اعتراف کرد ، و آنها پیشوای آن فن و موفق در منظور و هدف خود تلقی خواهند شد . ولی اگر نتایج و عواقب مساعی شان اندک

است و پیروزی شان بسیار کمی است و یا تلاشهایشان در آموزش و پرورش شاگردان و پیروان خود بهدر می رود، و این شاگردان پس از در گذشت آموزگاران همه کوششها و تلاشهای شان را ناموفق ثابت می کنند و اثرات تربیت شان بزودی از بین می روند، آن اساتده و آموزگاران را در کار تعلیم و تربیت ناموفق تصور می کنند .

بیمورد نباشد اگر مردم اینجا این پرسش را بر می خیزند که چون این دعوت بدست بزرگترین داعی خود هنگام دور پیشرفت خود نتوانست آثار پایدار و عمیق را ثبت کند ، و چون کسانی که ایمان بدین دعوت آوردند در همان آغاز نتوانستند بعنوان مسلمانان امانت دار و بارفا پابرجا بمانند ، و راه راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله اصحاب خود را بر آن گذاشته بودند تنها عده ای کمی از آنها بر آن باقی ماند پس ما چگونه می توانیم قبول کنیم که این آئین و دین می تواند مردم را از آلائشها پاک کند و انسان را از حسیض حیوانیت بیرون آورده بقله بلند انسانیت و آدمیت برساند ؟

یکی از مهمترین احتیاجات دعوت و تبلیغ، و نیز بمنظور اینکه عظمت و بزرگی و تعظیم و تکریم حضرت اقدس و سیرت و تاریخ او را محقق کنیم، لازمست ما به محاسن و خوبیهای اصحاب کرام اعتراف کنیم و نقشهای شان برای همکاریهای مبتنی برحق و صداقت و مهر و محبت و وفاداری شان و ارزش و اهمیت کارنامه هایشان را روشن و آشکار کنیم و صفحات منور این تاریخ درخشنده بنمایش بگذاریم - آنچه از سهوها و خطاها و ضعفها و ناتوانیهای بشری بایشان نسبت داده شوند همه آنها بیش از نقطه سیاه روی صفحه روشن و پاک تاریخ نیست. هم منطوق درست و عقل سلیم این موقف را تایید می کند و هم قرآن مجید و تاریخهای مستند و معتبر این امر را روشن سازد. قرآن کریم راجع به سابقین اولین و سالف صالحین همین شیوه شان را مورد ستایش و تمجید قرار داده می گوید:

«والذین جاؤا من بعدهم و کسانیکه پس از آنها آمدند می
 یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا گویند خدایا (خطاهای)
 الذین سبقونا بالایمان و لا تجعل مارا به بخش و بردران مارا به

فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا بخش که پیش از ما ایمان آوردند
إنک رؤف رحیم . و در دل ما عداوت مومنان

(الحشر آیه ۱۰) مکار. خدایا تو نرم و مهربان هستی .

همینطور مال گذشته نیز معتقد بودند که حواری و دوستان
پیامبران شان از جمله بهترین بنندگان خدا بودند و ایشان در
مورد عشق و علاقه نسبت باین حواریان و دوستان پیامبر
شهرت بسزائی داشتند لذا ما باید هرچه بیشتر باصحاب کرام عشق
و ارادت ورزیم ، زیرا این دوستان و حواریان پیامبری هستند
که عمیق ترین و فنا ناپذیر ترین اثرات خود را روی صفحه جهان
ثبت کرده است . ایزد متعال فرمود .

« هو الذی بعث فی الامیین این همان ذاتست که به یسوادان

رسولا منهم یتلو علیهم آیاته پیامبری فرستاد که از جمله

و یزکیهم و یعلّمهم الکتاب نفوس آنها است که آیات خدا را

والحکمة و ان کانوا من قبل لنی برایشان می خواند و آنها را از

ضلال مبین . (الجمعة ۳) آلایشها پاک می کند و درس

قرآن و حکمت و دانائی بآنها می دهد در حالیکه پیش از آن،

ایشان بگمراهی صریح افتاده بوده اند .

« هوالذی أرسل رسولہ بالهدی
و دین الحق لیظہرہ علی الدین
کله و کنی باللہ شهیداً »
(الفتح ۲۸)

برای شهادت دادن کافست .

اگر می خواهیم با صمیمیت سعی کنیم تا مردم دارای کیشهای
مختلف را به یکدیگر نزدیک کنیم ، پس باید این کوشش مبتنی بر
اساس بحکم و طبیعی باشد . هر کوششی که جدا از راه طبیعی
باشد و مبتنی بر روانشناسی نباشد موفق نخواهد شد . ما بمناسبتی
در مجلس علامه تقی القمی (که از سی سال پیش برای بدست
آوردن این هدف مساعی خود را ادامه می دهند) بمرض رسانیده
بودیم که در زبان اردو مثلی مروج است :

« تالی ایک ہاتھ سے نہیں بچتی »

یعنی کفر را نمی توان تنها یک دست زد ، بنده بر آن مثل ، اندکی
افزوده می گوید که تنها دو دست کافی نیست بلکه باید توأم با صمیمیت

و اخلاص و عزم و اراده و جدیت باشد . اگر دستی دچار
 مستی است نمی توان کف زد . بنده نیز گفته بودم که نزدیک
 آوردن مسالک گوناگون از جمله عملیات ماشینی نیست و این عمل
 نسبت بزبان بیشتر مربوط بدل است ، و نسبت بمسائل خارجی ارتباط
 بیشتری بمسائل داخلی دارد . تا کنون چسبی اختراع نشده که بتواند
 مثل کاغذ دلسا را نیز به یک دیگر بچسباند لذا باید این آرزو
 و آرمان و تلاش و سعی از ته دل و قعر آن برخاست و باید
 دارای آنقدر روانی و جوش باشد که دل بتواند نیرو و گرمی
 و حرارت آنرا حس کند ، و برای این منظور ، لازمست بآم روش
 تفاهم را پیش بگیریم ، برخی از اشیاء را از دست دهیم و تاندازه‌ای
 شیوه تواضع و فروتنی را اختیار کنیم . چون نوبه ای دلهای
 ما آماده برای قبول این کار باشد دیگر هیچکدام از اشیاء نخواهد
 تواند در برابر سیل زور آور مهر و اعتماد ، ایستادگی نماید زیرا
 محبت هر گونه سنگهای راه و کدورت و کینه و عداوت را از
 بین می برد .

۴ - در پایان می خواهیم توجه طبقه روحانیون و اهل علم

را باعتبار هر چه بیشتر بسوی قرآن مجید جلب کنیم . شک نیست که براندان ایرانی مافقرآن مجید را گرامی دارند و بان عشق ای ورزند و ایرانیان از قدیم در نقاشی و کتابت زرین قرآن مجید از سایر ملل پیشگام بوده اند و با کمال اهتمام آنها را در کتابخانه ها و موزه ها نگهداری می کنند و بدان افتخار می کنند . هم اکنون در چاپ مزین و آراسته از مسلمانان کشورهای دیگر بعقب نیستند . عالمان پیشین و معاصر تفسیرهای عالیرتبه نوشته اند که عده ای از آنها حتی در هند متداول و معروف اند .

باز هم حسن می کنیم ارتباط ایرانیان با قرآن مجید باید عمیق تر باشد و نیاز باین امر است که ذوق آن ، بر ذوق اشیا دیگر رجحان دارد و روح آن در جسم و جان شان سرایت کنند که در نتیجه ، از سوتی کثرت تلاوت و عده بزرگ حفاظ در کشور بچشم خورد و باید بر هر چیزیکه باشد رجحان و اولویت یابد و در مورد هر مسئله آنرا باید معیار رد و قبول و میزان حسن و قبح قرار دهیم و از طرفی دیگر آنرا باید سسدره المنتهی علم و ادب و معتقدات و عملیات و اخلاق خود مان قرار دهیم .

شك نیست که فاضلان و متفکران ایرانی برخی ازین حقایق
 مورد نظر را محس کنند ، و به نیاز به تبلیغ و ترویج آنها اعتراف
 می کنند . واقعاً این یکی از کارهای بزرگ تجدیدی است و تنها
 شخصیتهای می توانند از عهده آن بخوبی بر آیند که بخواهند از مقام
 و عزت و اعتبار علمی خودشان استفاده کنند و آماده برای انداختن
 زندگانی خود در مخاطر باشند ، اما شادمانی که ناشی ازین
 موفقیت و پیروزی خواهد بدست آید نمی توان بالاتر ازان هیچکدام
 مسرت را تصور کرد و بنا بر آن ، تاریخ ، مقام و عزتی بآنها
 خواهد بخشید که هیچک از اعتبار و آبروی در برابر آن نمی
 تواند ایستادگی نماید . گردیکه بر جبهه روشن و پاکیزه اسلام
 و حقیقت آن گرد آمده و زباله تاریخ طوریکه روی زیبایش را
 پوشیده است و ته قطور از تقالید و رسوم روی آن نشسته است
 اینهمه را از بین بردن و وضعیکه دین اسلام در قرن اول وجود
 داشت مجدداً پیدا کردن کار سهل و عادی نیست بلکه جهاد
 و کار تجدیدی بس مهمی است . برای پیش گرفتن حقیقت دین
 و توحید خالص ، قرآن نه تنها از ملل غیر مسلمان بلکه از همه

گروه‌های ملت اسلامی دعوت کرده است . دعوتش با دوره
مخصوصی اختصاص نداشته بلکه برای همواره و هر مقام و هر
دوره است .

«تعالوا إلى كلمة سواء بيننا
و بينكم ألا نعبد إلا الله و لا
نشرك به شيئاً و لا يتخذ بعضنا
بعضاً آرباباً من دون الله ،
(آل عمران ۶۴) و سهم او نسازیم و هیچکدام

ازما جز خدای متعال دیگر کسی را پروردگار خود نسازد .
می خواهیم بار دیگر به برادران ایرانی باز گو کنیم که این
همه سخنها بر بنای اخلاص محض و منویات نیک و آرزوی
شدیدی برای یکپارچگی و اتحاد اسلامی و احساس مسئولیت
ارائه کرده شد . اگر چیزی بچشم شما رسد که بآن نمی توانید
موافقت کنید یا افراط و یا تفریطی خلاف واقع و حقیقت بنظر
شما رسد ، خواستار پوزش و معذرت هستیم که انسان مرکب
از خطاه و تقصیر است و تنها هستی که پاک از هر گونه عیوب

و نقایص است ذات ایزد متعال است .

پرسشی از دوستان ایرانی

قبل از اینکه برادران ایرانی را خدا حافظی کنیم می خواهیم پرسشی جلوشان بنهیم که در بسیاری از مغزها سر می زند و آن اینست که چرا کشور مردم خیز مثل ایران ، که در ادوار گذشته در هر علم و فن و در هر رشته ای از زندگانی تعدادی بزرگی از نوایغ پیدا کرده است که در استعداد و هوش فوق العاده خود بالا تر از سطح عموم مردم بنظر می رسند تا آنجا که اگر کسی طبقات و تراجم و سیر و تاریخ را مورد مطالعه قرار دهد حس می کند که گوئی نوایغ تنها در ایران بوجود می آیند . اما کسیکه دوره اخیر ایران را مورد بررسی قرار دهد با شکفت سوال کند که حالا چرا کسان نوایغ در این کشور مردم خیز بوجود نمی آیند چرا کمال در علوم و فنون و ذکاوت و هوش تند و تحقیقات علمی حتی زبان و ادبیات و شعر و سخن گرفتار زوال و انحطاط شده است ، قرنهای گذشته و نسل دیگر جای نشین نسل اول شد باز هم عالمی یا ادبی یا گوینده ای یا نویسنده ای یا محقق یا ریاضی

دانی یا فیلسوفی و یا رهبری بچشم نمی خورد که توسط کارنامه‌های بزرگ خود توجه جهان را بخود جلب کند و چشم روزگار را خیره کند . پس از قرن دهم این خلافتقدر بشدت حس کرده می شود که علاقتندان بزرگی به ادبیات ایرانی و دانشجویان واقعی تاریخ ایران مثل دکتر اقبال لاهوری و اداری می شوند زبان گله بکشایند :

نه انما پھر کوئی رومی عجم کے لالہ زارون سے
وہی آب و گل ایران وہی تبریز ہے ساقی

یعنی پس از مولانا جلال الدین بلخی رومی هیچکدام از نوابغ در لاله زار عجم ایران برنخاست و حال آنکه آب و گل ایران همانست و تبریز همانست و هیچگونه تغییری در آن رخ نداده . این سوال را جلو عالمان دین و دانشمندان ایرانی نهادیم و بآنها بر سر این موضوع تبادل نظر کردیم ولی هیچیک از پاسخهای قناعت کننده بگوش ما ننخورد . این سوال همواره مغز ما را دچار پراگندگی می کند که علت و جمود و رکود و انحطاط و پستی ایران آیا پایان رسیدن دوره عرفان و تصوف است

که در بلندی افکار و علو همت و طغیان علیه ماده پرستی و جستجوی حقیقت و در دست زدن بتار دل و جاری کردن چشمه‌ها نقشهای مرکزی و اساسی ایفا کرده است یا علت این انحطاط کثرت و مسائل در آمد و تسهیلات زندگانی و رفاهیت عمومی است که ایران را شانس داد تا از دیر باز از آنها استفاده کند و بر اثر آن ، سهل انگاری در طبائع و افسردگی و پستی در نیروهای ارادی بوجود آمده یا علت آن اینست که درباره علوم و مسائل از دیرباز تنها یک شکل مخصوصی اکتفاء کرده شده و سعی کرده شده تا آئین و کیشها و نظام و سیستمهای دیگر را از کشور دور دارند و بدین طریق ، ایران از عهد صفوی در یک غلاف مخصوصی زندگی می کند و اهتزازات جهان علمی خارجی که بتواند نیروهای فکری و علمی آنرا به جنبش آرند و بر ذخیره علمی و ادبی آن بیفزایند بآن نمی رسند یا علت دیگر کهنتر و عمیق تر ازین است که نظر ما بآن نمی رسد .

این سوال تا اندازه‌ای زیادی مربوط بفلسفه ، تاریخ و اقبال و ادبار و انقلاب و دگرگونیهای ملل است . بمنظور رسیدن

به واقعیت و پرداختن به تحقیقات علمی. لازمست پاسخ این پرسش قناعت کننده باشد. می خواهیم همان ایران پاسخ دهد که توسط استعدادهای علمی و ادبی و هوشهای تنم تا مدت دراز موجب خیرگی چشم جهان شده ، او باید متوجه باین پرسش مهمی وجدی شود و تاریخهای پر شکوه گذشته را باز گو کند. این امر هم برای ایران و هم برای جهان اسلامی بلکه سراسر جهان بشری سود مند است .



نبوت آنحضرت ﷺ

دروان تازه ای بود که ایران خفته را بیدار کرد

(این ترجمه سخنرانی عربیست که مورخ ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۹۳ هـ الموافق ۱۵ ژوئن ۱۹۷۳ میلادی در مجلس خوشامد گوئی و پذیرائی ایراد کرده شد که بخانه آیه الله العظمی میرزا محمدخلیل کمره ای ، درزرین نعل ، تهران تشکیل یافت) .

آقایان ا همین حالا مقری آیت معروف ازسوره آل عمران را تلاوت کرد :

واعتصموا بحبل الله جميعاً
ولا تفرقوا واذکروا نعمة
الله علیکم إذ كنتم اعداء
فألف بین قلوبکم فأصبحتم
رسن ایزد متعال را باکمال
استحکام بگیرید بطوریکه شما باهم
پراکنده نباشید ونعمتیکه ایزد
متعال بر شما ارزانی کرده است

بنعمته إخوانا ، وكنتم على أنرا یاد کنید هنگامیکه شما دشمن
شفا حفرة من النار فأخذكم یکدیگر بودید اودر دلهای شما برای
منها ، كذلك یبین الله لكم آیاته یکدیگر عطفه مهر و محبت انداخت
لعلکم تهتدون . و بدین ترتیب شما بواسطه نعمت

(آل عمران ۱۰۳) ایزدی باهم برادران یکدیگر شدید
و شما بر لب مغاکهای جهنم بودید ، ایزد متعال شما را ازان نجات
بخشید ، همینطور خدای متعال آیات و احکام خود را بیان
می کند تا شما براه راست گامزن باشید .

دوست دانشمند آقای استاد احمد محمد جمال قسمت نخستین این آیت
را مورد بحث قرار داده اند و بنده می خواهم قسمت دوم این
آیت را مورد بررسی قرار دهم و از شما دعوت به بررسی بآن کنم .
آقایان ! این آیت کریمه باید همواره در نظر ما باشد
و روی دلهای خود مان منقور کنیم . در این آیت سخن از
نعمت بزرگی رانده شده که ایزد متعال بملت اسلامی بخشیده است .
ای اهل ایران ! تنها شما نیستید که مالک آن نعمت قرار یابید بلکه
ماسکنه شبه قاره هند بلکه همه مسلمانان که روی زمین سکونت می

دارند بلکه سکنه آن شبه قاره عرب که شعاع اسلام از آنجا دمید
وسراسر کائنات را در آغوش خود گرفته ، شریک و سهیم شما
درین نعمت بزرگ هستند .

ما همگان از تاریکی جهالت حیران و سرگردان بودیم و از
توحید و نبوت هیچ خبری نمی داشتیم و از حشر و نشر بلد
نبودیم و ارزشهای اخلاقی را یکسره نمی دانستیم و از دستورهای
مذهبی درست بیخبر بودیم و گرفتار توهمات بودیم و قربانی جبر
و بیداد حکومت‌های مستبد بودیم و بشریت هر کجا پامال می شد .
از طرفی فرمانفرمایان مطلق و از طرفی دیگر عالمان اجاره دار
دین و دانش ، خود را خدای قابل پرستش قرار داده بودند ، توده
مردم ناگزیر بودند آنها را به پرستند و اوامر ایشان را کورانه
بجا آورند چنانکه خداوند تعالی فرمود :

« اتخذوا ايجابهم و رهبانهم آنها خدا را یکطرف گذاشته
ارباباً من دون الله . » عالمان و مشایخ خود را
(التوبة ۳۱) پروردگار خود ساخته بودند .
مهر جهاتاب اسلام طلوع کرد و نور افکنیش هیچکدام از

مناطق زمین را نگذاشت بی نصیب از روشنائی باشد . نعمت
 اسلام برای سراسر جهان عام افتاده است ، او مثل بارانی بود که
 میان سیاه و سپید و آقا و بنده هیچگونه تفاوتی قابل نیست .
 او ابری بود که همه فراز و فرود و باغ و راغ را یکسان
 آبیاری کرد حق دارد باین گفته شاعر مخاطب شود :

فأذهب كما ذهب غوادي مزنة

اثنى عليه السهل و الأوعار

و گوینده پارسی گوی روشن تری گوید :

پرتو مهر بویرانه و آبادیکیست

حسن چون تیغ کشد بنده و آزادیکیست

بزرگترین ازین، نعمتی وجود ندارد حتی زندگانی ما که سرچشمه

لذاید و حظوظ است اگر نعمت توحید خالص و ایمان در میان

نمی بود ، عذاب مداوم و لا ینقطع می شد و بیش از ارزش

پلی برای رسیدن به جهنم نمی داشت ، ازین که ایزد متعال بمانعمت

اسلام بخشید از وتشکر بجای آوریم . در حصول این نعمت

احسان بزرگ آنحضرت ﷺ و بعثت و رسالت و دعوت و جهاد او

آنقدر بر ماست که نمی توان آنرا از یاد برد .

بیمورد نباشد اگر بگوئیم که چنانچه آنحضرت صلی الله علیه و آله در میان ما نمی بود اگر اصحاب و دوستان و اهل بیت نمی بودند اگر داعیان نخستین دعوت اسلامی و هدایتیکه در راه آن فداکاریهای ذیقیمت و گرانبها کردند ، نه ایران اسلامی نه هند اسلامی نه مصر اسلامی نه شام اسلامی بلکه هیچکدام از کشورهای اسلامی حتی شبه قاره عرب که مرکز محبت و ارادت ماست و بسوی آن ما روی می آوریم ، در میان ما وجود نمی داشتند ، و هیچگونه ارتباطی میان ما و شما برقرار نبودی بخصوص چون ما سکنه خاور دور هستیم و شما اهل ایران . این رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که توسط او ایزد متعال همه ملل و کشورها را بشیرازه ای بهم مربوط کرده است و فرصتی دست داد که مغزها و دلهای مختلف باهم مرتبط شوند و افکار و اندیشه ها باهم سازش یابند و انواع علوم و معارف بوجود آیند . چشمه ای از علم در هند جاری بود و دیگری در ایران و میان آن دو فاصله ای دراز و جود داشت . همینطور چه بسا چشمه های پراکنده و بی نهایت را مبدل

يك چشمه بزرگ و صاف کرد و آنرا برای يك هدف بلند و مشترك
بكار برد. و برای نوع بشر سودمند و بار آور ساخت. همینطور
امتزاجی سودمند از اندیشه های هندی و ایرانی و عربی و عجمی
معمور از انواع خیر و برکتها بوجود آمد که نمی توان نظیر آن در
تاریخ فرهنگ و تمدن جهان بسوالت پیدا کرد. هم آهنگی قریحه زیبا
پرست ایرانیان و پهنائی افکار و اندیشه ها و پاکیزگی عواطف
و احساسات شان با طبع سلیم اعراب و حوصله بلند شان و
ذوق واقعیت پسند و معتقدات و اعمال اسلامی شان چیز است که
نمی توان در هیچکدام از نقاط جهان پیدا کرد.

ایران از خواب گران بیدار شد و او را فرصتی دست داد که
استعداد و هوشهای خود را ب معرض نمایش گذارد و شررهای خفته اش
شروع بانگیختن کرد و چنان بنظر می رسید که ایران زمین
تنها برای نوابغ روزگار و شخصیت های برجسته ایجاد کرده شده ،
تو گوئی خیر آن با علم و دانش و شعر و ادب سرشته شده ،
قریحه زیبا پرستی در آب و هوایش سرایت کرده و انگار جز
از عالم و ادیب و شاعر و هنرمند و متصوف و آموزگار و نویسنده

دیگر کسی آنجا بوجود نمی آید . اگر کسی بخواهد بارزترین شخصیت‌های ایرانی در زمینه های فقه و حدیث و شعر و ادب و تصنیف و تالیف بشمرد ، نمی تواند بشمرد . تذکره‌ها و تاریخها پر از کارنامه‌ها و احوال شان هستند . چه بسا کشورها هستند که مثل هند از خوان یغمای علی و ادبی ایران بهره ای برده اند ، ماممگان از اوقیانوس بیکران علم و دانش شان تشنگی خود را دور می کنیم ، از شعر و ادب شان لذت می بریم ، به پیشگاه شان زانوی شاگردی نه می کنیم و به تقلید و پیروی از آنها افتخار می کنیم .

اما اینهمه نوابغ و شخصیت‌های برجسته که کالات علمی بزرگ شان و کارنامه های ادبی شان سراسر جهان را بحیرت درآورد ، همه آنها از جمله فرزندان ارجمند اسلام و از فرآورده های دعوت اسلام هستند . ایشان را دینی نوینی بوجود آورده بود که رسول خدا حضرت محمد ﷺ آورده بودند .

برای ما موجب خوشوقتی است که تحت سایه اسلام و برادرانه اسلامی ، شرفیاب ملاقات شما شدیم ، بشما اطمینان می دهیم

که سراسر مسلمانان شرق و غرب برای همیگونه برادرانه اسلامی جهانی یتاب هستند. اما نباید فراموش کرد سرچشمه هر گونه از خوشبختیهای دنیا و آخرت، اسلام و ذات اقدس رسول کریم هستند که توسط آنها ایزد متعال ما را پس از گمراهی بهدایت و پس از خواری به عزت و پس از ناداری به رفاهیت و پس از علم بجهل و پس از پراگندگی به یکپارچگی سر بلند کرد.

جز فرهنگ اسلامی هیچکدام از فرهنگهای جهان مال مانیت، و جز عزت و آبرو و رفعت و بلندی که توسط اسلام نصیب ما شد هیچکدام از سر بلندیها مال مانیت. ما همگان بوسیله محمد ﷺ زندگی می کنیم.

نبوت محمد ﷺ آغاز دوران نازهای بود. هر که از نوع بشر ذره‌ای از سعادت و خیر نصیبش گردید، و لو که مثل امیر المومنین حضرت علی بن ابیطالب باشند، توسط سیدنا محمد بن عبد الله ﷺ نصیب وی گردید.

اگر رسول کریم نمی بود هیچکدام از کسان دارای فضیلت و بزرگی در دین نمی بود و نه قسمتی از ایمان و یقین نصیب وی می گردید و نه اینگونه کارنامه های شگفت آور بمعرض نمایش می آمدند که برای تاریخ موجب افتخار اند و حق دارد مسلمانان بدان افتخار کنند .

هم امروز اگر کسی بهره ای از سعادت دارد توسط وسیله همان ذات گرامی است .

آقایان ! شش جهت بسته است و راهها مسدود و پنجره ها بر روی ما بسته اند . اسلام تنها راه و تنها پنجره ایست که ایزد متعال توسط رسول کریم آنرا وا کرده است چنانکه فرمود :

• إن الدین عند الله بدون تردید دین و آئین حق و مقبول الاسلام •
زود خدا همانا اسلام است .

خدایا تو را شکر می کنیم که ما همگان از عرب و عجم اعتراف باحسان سیدنا محمد ﷺ می کنیم و هر گونه از سلسله های علی و عقلی و فکری و فرهنگی و اعتقادی باوی مرتبط می کنیم .

هر یکی از ما از شمع هدایتش کسب نور کرده است و فیضیافته
و بهره بردار دانشگاه اوست. گوینده‌ای چقدر خوب گفته است:

يك چراغیست درین بزم که از پر توآن
هر کجای می نگرم انجمنی ساخته اند

تا وقتی که ملت اسلامی باین حقیقت آشنائی داشته باشد و تا وقتی که
او این آئین را محکم گرفته باشد نمی تواند از راه بیراه شود و نه
گرفتار مشکلات و آلام باشد.

و در پایان از احترام صمیمانه و خالصانه شما آقایان
و مهربانیهایی که نسبت ب ما ابراز داشتید سپاسگزاری می کنیم و از
خداوند متعال مسئلت داریم که ایمان ما را بسرحد کمال برساند و آنرا
نگهداری کند و خاتمه بخیر باشد و روز جزا نامهای ما در
صورت کسان خوشبخت باشند که چهره‌هایشان خواهند درخشید.

